

بررسی فرهنگنامه قرآنی

اعظم فرجامی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس قم

چکیده

ترجمه قرآن و نگارش مجموعه‌های واژه‌نامه‌ای از قرآن همگام با تفاسیر، به منظور آشنا کردن عموم مردم به متن وحی همواره مورد توجه بوده است و تاریخ آن به سده‌های نخستین پس از اسلام باز می‌گردد. یکی از آخرین و مهم‌ترین این تلاش‌ها کتاب فرهنگنامه قرآنی است. فرهنگنامه قرآنی تألیفی پنج جلدی و شامل واژگان قرآنی و معادل‌های فارسی آن است. این معادل‌ها بر اساس قرآن‌های ترجمه‌شده از قرن چهارم به بعد که در کتابخانه آستان قدس موجود است، انتخاب شده‌اند. معرفی این مجموعه و بررسی آن با ذکر نکاتی از فواید و مزایای آن و کاستی‌ها و نواقص اساس این پژوهش قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: فرهنگنامه قرآنی، واژه‌نامه، ترجمه قرآن.

نگاهی به تاریخ ترجمه فرهنگنامه‌های فارسی

اینکه دقیقاً از چه زمانی قرآن به زبان فارسی ترجمه شده مشخص نیست. در مقدمه تفسیر تاج التراجم آمده است، سلمان فارسی به امر رسول خدا به این کار اقدام کرده است. در مقابل ادعا شده است که به سبب رایج نبودن ترجمه، چنانکه در عصر سامانیان برای جواز ترجمه ناگزیر از فقهاء ماوراء النهر کتباً فتوا خواستند، به نظر نمی‌رسد که ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر از جمله فارسی امری متداول و جافتاده باشد. گفته شده است که ترجمه تفسیر طبری که حوالی سال ۳۵۰ ق. انجام شده، اولین ترجمه کامل قرآن به زبان فارسی است. (نک: یاحقی، فرهنگنامه قرآنی، مقدمه) فرهنگنامه یا لغتنامه‌هایی نیز از قرن چهارم و پنجم باقی مانده‌اند که نشان می‌دهند ترجمه به فارسی پیش از اینها رایج شده است. به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- لسان التنزیل از مؤلفی مجهول که تاریخ نگارش آن دقیقاً مشخص نیست و تنها با تخمین می‌توان آن را به قرن چهارم یا پنجم منسوب دانست. این فرهنگنامه به تصحیح دکتر مهدی محقق چاپ شده است.
- تراجم الاعاجم فرهنگ فارسی از واژه‌های قرآنی به کوشش مسعود قاسمی و محمود مدبری در سال ۱۳۶۶ شمسی از سوی انتشارات اطلاعات چاپ شده است. این کتاب به ترتیب آخرین سوره به اولین سوره (به استثنای سوره حمد) تنظیم شده است. مؤلف این اثر نیز ناشناس است و بین تقدم زمانی تراجم الاعاجم و لسان التنزیل اختلاف است.
- المستخلص یا جواهر القرآن؛ این لغتنامه قرآنی تالیف محمد بن محمد بن نصر بخارایی است و برخی از کلمات قرآن از سوره حمد تا ناس را به صورت گزینشی در بردارد. این کتاب با دو تحقیق جداگانه هم زمان به سال ۱۳۶۵ شمسی چاپ شده است. یکی را انتشارات دانشگاه تهران و دیگری را نشر فرهنگی رجا منتشر کرده‌اند.

- ترجمان القرآن شامل لغات قرآن و معانی فارسی تالیف میرسید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ ق.) به کوشش محمد دبیرسیاقی و انتشارات اقبال است که اول بار به سال ۱۳۳۳ شمسی چاپ شده و پس از آن در سال ۱۳۶۰ تجدید چاپ شده است. این فرهنگنامه مختصر است و شامل تمام واژه‌های قرآنی نمی‌شود.
- فرهنگنامه نویسی از واژگان قرآن به زبان فارسی هنوز امری رایج است که از بین مجموعه‌های کوچک و بزرگ به این موارد می‌توان اشاره کرد:
- نثر طوبی یا دائره المعارف لغات قرآن مجید تالیف ابوالحسن شعرانی در دو جلد.
- قاموس القرآن علی اکبر قرشی بنانی در هفت جلد که از مفیدترین فرهنگهای قرآنی است.
- فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی شماره چهار با ترجمه فارسی کهن به کوشش دکتر احمد علی رجایی بخارایی که موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران آن را به سال ۱۳۶۳ شمسی چاپ کرده است.
- فرهنگ ترجمه و قصه‌های قرآن مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری تحقیق دکتر محمد جاوید صباغیان چاپ انتشارات آستان قدس رضوی در سال ۱۳۶۸ شمسی.
- المعجم فی فقه اللغه القرآن و سرّ بلاغته با نظارت استاد واعظ زاده که زیر نظر آستان قدس در حال چاپ و نشر است و برخی از مجلدات آن به عرصه نشر رسیده است. هر چند این لغتنامه تفسیر گونه و مفصل است.
- شرح و تفسیر لغات قرآن بر مبنای تفسیر نمونه اثر جعفر شریعتمداری که در چهار جلد منتشر شده است.
- فرهنگ آماری کلمات قرآن اثر دکتر محمود روحانی در سه جلد که به صورت الفبایی تنظیم شده است.

فرهنگنامه قرآنی

این فرهنگنامه که شامل برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه کهن خطی از قرآنهای ترجمه‌دار کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است، با تنظیم گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی و نظارت دکتر جعفر یاحقی به انجام رسیده است. اولین جلد این مجلد پنج جلدی در تیر ماه سال ۱۳۷۲ شمسی و آخرین آن به سال ۱۳۷۶ از سوی انتشارات آستان قدس رضوی در شهر مشهد به چاپ رسیده است. جلد اول از حرف «آ» تا «ب»، جلد دوم از «ت» تا «ش»، جلد سوم از «ص» تا «م»، جلد چهارم از «ن» تا «ی» و جلد پنجم نیز به صورت فهرست واژه‌یاب فارسی تنظیم شده است. تاریخ این ۱۴۲ نسخه خطی مربوط به سده‌های چهارم تا سیزدهم هجری است. آغاز این فعالیت علمی به سال‌ها قبل برمی‌گردد؛ دکتر رجایی بخارایی در سال ۱۳۴۸ که در آن ایام در رأس امور فرهنگی آستان بود، مدیریت و سرپرستی گروهی که خود برای فیش برداری و تحقیق انتخاب کرده بود را به عهده گرفت و دکتر یاحقی نیز در آن زمان از دانشجویان و اعضای گروه فیش بردار بودند. این فعالیت علمی به سرانجام مطلوب نرسید و تنها تا سال ۱۳۵۲ ادامه یافت؛ اما به چاپ نرسید تا آنکه پس از سال‌ها دکتر یاحقی در مسیر استاد گام برداشت.

شیوه تنظیم: این فرهنگنامه به شیوه الفبایی و صرف نظر از ریشه و ماده واژه، تنظیم شده است. به جز معادل فارسی، بخشی از آیه مورد نظر و شماره قرآن مترجم ذکر می‌شود. این شماره‌ها بر اساس جدول اجمالی اول کتاب و به ترتیب تاریخی از قرن چهارم تا سیزدهم منظم شده‌اند. در مواردی نیز اعداد و شماره‌هایی دیگر بالای معادل فارسی قرار می‌گیرد که نشان از توضیحی دارد که در پاورقی بدان اشاره شده است. در مقدمه، چگونگی انتخاب واژه‌ها اینگونه توضیح داده می‌شود که ملاک «فارسی سره و عاری از جزیی عربی بودن» است. و هدف از این دستاورد علمی را نشان دادن «توانایی زبان فارسی در برگرداندن مفاهیم قرآنی» حتی در قرآنهای کهن

و اهتمام گذشتگان در این راه بوده که در معادل‌یابی‌ها «اگر هم از واژه‌های عربی استفاده کرده‌اند تنها برای ترکیب‌سازی است و این ترکیب‌های فارسی - عربی نهایت تا ۳ یا ۴ درصد بوده است»

بر اساس توضیح مقدمه، مبنای تفکیک واژه‌های قرآنی (مدخلها) در این فرهنگنامه کتاب «المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم» تالیف دکتر محمود روحانی بوده است.

افزون بر آن ترجمه‌ای که در متن قرآن خطی بیان شده ملاک است، یعنی، اگر «کنتم تعلمون» به «بوده‌اید که می‌دانستید» ترجمه شده، این ترجمه ذیل هر دو کلمه «کنتم» و «تعلمون» جداگانه می‌آید و اگر به «می‌دانستید» به تنهایی ترجمه شده، ذیل «کنتم» ثبت شده است.

بازتاب نشر: از بدو نشر و انتشار جلد اول این مجموعه، اهل قلم و دین‌پژوهان و مترجمان به بررسی و معرفی آن در مقالات و نشریات دست زدند. به اختصار به مواردی که تا سال‌های نخستین پس از چاپ کتاب منتشر شدند، اشاره می‌شود.

- شش ماه بعد از چاپ جلد اول در بخش کتابشناخت مجله مشکوه شماره ۴۱ دی ماه ۷۲ به صورت کوتاه و اجمالی این اثر معرفی می‌شود.

- بهاء‌الدین خرمشاهی در شماره اول نشریه بینات به عنوان منتقد هفت تا هشت ترجمه صورت گرفته از قرآن، از به مرحله چاپ رسیدن چنین مجموعه و معادل‌یابی‌هایی برای زبان فارسی اظهار شادی می‌کند.

- در آینه پژوهش شماره ۲۲ سال ۷۲ نیز معرفی دیگری به قلم عبدالمحمد نبوی ارائه می‌شود که مترجمان را به مراجعه بدان برای گزینش و دستیابی به برابره‌های فارسی دعوت می‌کند.

- در آینه پژوهش شماره ۲۶ سال ۱۳۷۳ علی اصغر ارشاد سرابی معرفی و نقد و بررسی کاملی از این مجموعه در مقاله‌ای با نام «گشت و گذار در گلگشت دیرینه

سال فرهنگنامه قرآنی» ارائه می‌دهد که مبنای نقد و بررسی های این پژوهش نیز قرار گرفت.

بررسی

الف) فواید و مزایا

۱. مهم‌ترین و بهترین ویژگی این مجموعه دستیابی به ترجمه‌های کهن فارسی است. این دسترسی و توجه از دو جهت حائز اهمیت است.

اول آنکه از واژه‌های کهن و اصیل زبان فارسی می‌توان در ترجمه‌ها سود برد. به طور مثال در آیه *فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ (واقعه: ۸۳) «حلقوم»* در حقیقت قسمتی از حلق و گلو است؛ اما این دقت جزئی در معنا و ترجمه واژه اغلب در ترجمه‌ها رعایت نشده و به طور کلی آن را همان حلق و گلو برابر گرفتند. (برای مثال فولادوند نیز این چنین ترجمه کرده است) با مراجعه به این فرهنگنامه می‌توان دریافت که در قرآن‌های ترجمه شده تا سده هفتم (تا قرآن شماره ۴۸) به این ظرافت توجه شده است و معادل‌هایی از قبیل «نای گلو، چنبر گلو، گلوگاه، خشکنای گلو و میان گلوها» ذکر شده‌اند که همگی این واژگان دست مترجم را باز می‌گذارد تا ترجمه‌ای روان و فارسی و در عین حال دقیق از متن عربی قرآن ارائه دهند.

دیگر اینکه گذشته از مترجمان قرآن، مطالعه این کتاب می‌تواند برای محققان زبان فارسی و زبان‌شناسان نیز به سبب توجه به دستگاه واژه‌سازی زبان فارسی و سرمشق قرار دادن برای یافتن معادل ترکیبات و واژه‌های امروزی مفید است. در آیه *أَوْلَقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ (قمر: ۲۵)* در ترجمه «أَشِرُّ» افزون بر معنای اصلی «سرمست و مغرور» گفته شده «هنبارده، انبارده و بهارده». به نظر می‌رسد همه این معانی به هم مربوط و مرتبط‌اند و از بهاردید و بهارزده اخذ شده‌اند که همان معنای سرمست و در اوج شباب و شکوفایی قرار داشتن مراد است.

۲. توجه و دقت در تنوع این نسخه‌ها و ترجمه‌ها برای شناخت گویش‌ها و لهجه‌های

محلّی و نیز تهیه اطلس لهجه‌شناسی منطقه‌ای ایران مفید باشد. برای نمونه مثال‌های زیر انتخاب شدند:

۱. ۲. در لهجه قدیم ری پیشوند «ها» معمولاً به افعال، بخصوص قبل فعل گرفتن، اضافه می‌شده است؛ از این رو در قرآن‌هایی این ترجمه یافت می‌شود: «آت» به هاده و «أخذُ» به هاگرفته و «لئن آتانا» به هامادهد ترجمه شدند.

۲. ۲. در لهجه هنوز رایج خراسان جنوبی پیشوند «وا» به معنای «آخر، ته، دنبال» با «واپیشینیان» به معنای آخری‌ها و پسینیان به کار می‌رود؛ چنانکه در آیه وَتَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْأَخْرِینَ (صافات: ۷۸) برای واژه «آخرین» برابر «واپیشینیان» یافت می‌شود.

۲. ۳. در لهجه شیرازی، اصفهانی و برخی لهجه‌های محلّی دیگر «استدی» به معنای «گرفتی» کاربرد داشته و گاه هنوز دارد. رهیابی این لهجه‌ها در ترجمه‌های قرآن نیز قابل مشاهده و پی‌گیری است. در ترجمه لَسْتُمْ بِأَخْذِیْهِ (بقره: ۲۶۷) «آخذین» به «ستدکاران» و «استدکاران» به معنای ستانندگان ترجمه شدند.

۳. آشنایی با سیر تاریخی تحول واژگان بخوبی از ورای گرد هم آمدن مجموعه‌ای از واژگان کهن فارسی مشهود و نمایان است. در آیه قَالَ أَتُونِی عَلَیْهِ قِطْرًا (کهف: ۹۶) برای «أُفْرِغُ» می‌توان فرآیند تکامل کلمه «بریزم» را دید: «فرودریزم / وریزم / وریزم».

ب) کاستی‌ها و نواقص

در دو بخش کلی و دو پرسش عمده می‌توان به این بخش پرداخت. اول آنکه آیا فرهنگنامه قرآنی برای مترجمان قرآن یا کسی که قصد نقد و بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن را دارد (چه ترجمه کهن و چه ترجمه جدید) مفید است؟ و پرسش دوم اینکه مولفان تا چه حد در تنظیم این فرهنگنامه موفق بوده‌اند و درستی کار آنها تا

چه حد است؟

پاسخ پرسش اول: به نظر می‌رسد چون این ترجمه‌ها به خصوص تا سده هفتم و هشتم بیشتر تحت اللفظی بوده است، ساختار نحوی زبان فارسی رعایت نشده است؛ زیرا مترجمان قرآن هنوز واژه‌ها داشتند که از کلام خدا و متن اصلی واژگان قرآن فاصله بگیرند و بر اصل کلام مقید و متکی بودند. افزون بر آن دانستن عربی و فهمیدن متن قرآن برای اغلب مردم ایران زمین که سواد و تحصیلاتی داشتند و در وادی علم وارد شده بودند، چندان ابتدایی و ضروری بود که نیازی به ترجمه قرآن برای خود احساس نمی‌کردند، پس اگر هم قرآن ترجمه شده برای عامه مردم و فارسی‌زبانانی بوده که عربی نمی‌دانستند، آنان نیز اغلب از زبان معیار فارسی و رسمی مکاتبه‌ای روز مطلع و آگاه نبودند؛ پس ترجمه‌ها به گویش عامی و مردمی نزدیک می‌شده و مترجم با لهجه‌های محلی منطقه خود ترجمه کرده است. این پدیده عوارض و معایبی داشته که در این مجموعه رخ می‌نماید و از فایده و سودمندی اثر برای مترجمان کاسته است.

● برخی واژه‌های غریب و ناآشنا در فرهنگنامه یافت می‌شود که معانی آنها تنها از طریق معادل عربی‌شان روشن می‌شود و عموماً در فرهنگنامه‌های فارسی دیگر هم نیست.

- کلمات شکسته و مطابق تلفظ عامیانه کتابت شده به وفور وجود دارند؛ «د» به «ت»: «باشید» به «باشیت»، «و» به «ب»: «ویران» به «بیران»، «ب» به «و»: «مهربان» به «مهروان»، «ژ» به «ج»: «مژده» به «مجده» تبدیل شده‌اند.
- رسم الخط حروف و کلمات درهم شده و مطابق گفتار عامیانه از فارسی صحیح و معیار خارج شده است؛ مانند «بد است» به «بدس» و «جز از آن» به «جذازان».
- در مواردی نیز مترجمان غلط ترجمه کردند.

پس با توجه به هدف مولفان که ارائه لغتنامه‌ای از بضاعت موجودشان یعنی ۱۴۲

نسخه قرآن خطی بوده که در موزه آستان قدس وجود داشته است و نه تنظیم فرهنگنامه‌ای مفید برای مترجم امروزی از مجموعه بهترین و صحیح‌ترین قرآن‌های ترجمه شده به فارسی (از عصر کهن تا جدید) این فرهنگنامه برای مترجمان کافی و بسنده نمی‌نماید؛ بلکه جای صورت بستن چنین فرهنگ لغاتی خالی است.

پاسخ به پرسش دوم: در تنظیم فرهنگنامه اشکالاتی از این قبیل برجسته و بارز است:

- در جدول زمانی قرآن‌ها مواردی است که بایستی بازنگری شود. ترتیب تاریخی رعایت نشده است و قرآن‌های شماره دو و هفت با آنکه مربوط به قرن چهار هستند بعد از قرآن شماره یک که متعلق به قرن پنجم است، قرار گرفتند. در همین جدول «قرآن آستان قدس» کامل معرفی می‌شود در حالی که این قرآن چاپ شده و در مقدمه آن آمده که کامل و شامل همه آیات نیست. افزون بر آن نام مترجمان قرآن‌ها و جغرافیای ترجمه، اطلاعات بسیار مفیدی بودند که در جدول و حتی تحقیق هم بدان اشارتی نشده است.
 - در پژوهش اولیه دکتر بخارایی شمارش بسامد تکرار یک معنا صورت می‌گرفت که بعدها گویا به سبب صرفه جویی مالی این قسمت از پژوهش حذف شده است در حالی که برای مترجم مراجعه و دانستن تعداد تکرار یک برابر بسیار مفید و راهگشاست.
 - ترجمه الفبایی کلمات قرآن طبق معجم الاحصایی اشکالاتی دارد و بیشتر سبب گمراهی می‌شود:
- گاه برخی ترجمه‌ها ذیل یک کلمه و برخی دیگر جزء کلمه دیگر آمده است؛ مثلاً در ترجمه مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۵۱) طبق همان توضیح مقدمه کتاب که اگر مترجم دو کلمه‌ای ترجمه کرده باشد، جدا می‌شوند، نه ترجمه آن ذیل ماده «تعلمون» و دو ترجمه آن ذیل ماده «تکونوا» آمده است.

○ باعث تکرار مکررات می‌شود و گاه برخی معناها در این تکرارها از دست می‌رود؛ زیرا معمولاً در ترجمه افعال، ابتدا افعال مثبت و سپس افعال منفی یا افعال همراه با جزء ترکیبی اصلی می‌آیند؛ به طور مثال در ترجمه **لَسْتُمْ بِأَخَذِيهِ** (بقره: ۲۶۷) ذیل «بأخذه» پنج معنا و ذیل «لستم» یک معنای دیگر ذکر می‌شود.

● به وجود کلمات فارسی غریب و ناآشنا در این فرهنگنامه اشاره شد، شایسته بود این واژه‌ها در متن همانند کار دکتر بخارایی در تصحیح قرآن آستان قدس به گونه‌ای مشخص می‌شدند تا فرد مراجعه کننده با گشتن آنها گمراه نشود. از سوی دیگر نیکو بود این واژه‌ها با جملات کامل از متن قرآن اصلی ذکر می‌شد تا به قرینه جمله، معنا حدس زده شود.

● با آنکه پاورقی‌ها اغلب مفید هستند؛ اما درباره آنها این اشکالات دیده می‌شود: یا بسیار کم هستند و حتی در جلد چهارم دیگر به ندرت توضیح یا پانوشتی دیده می‌شود. یا چون گویا پاورقی‌ها جداگانه برای هر فیش و فیش بردار یادداشت شده‌اند در مواردی زائدند؛ یعنی چندان لازم به ذکر نبوده‌اند، مثلاً در توضیح مادگاوان می‌آید: همان ماده گاوان که ضرورتی به گفتن نبوده، زیرا به هر حال مراجعان اطلاعات اولیه دارند و در مواردی نیز بخصوص در صفحات اولیه جلد اول تکراری هستند.

● چون مدخل‌ها بر اساس معجم الاحصایی و قرائت مشهور تنظیم شده است به قرائت قراء دیگر از قراء سبعة جز قرائت حفص از عاصم توجه نشده است و این موجب شده گاه ترجمه‌های متفاوت از یک فعل، متعارض شوند و یا اشتباه و غلط به پای مترجم گذاشته شود، در حالی که این اختلاف ترجمه‌ها به سبب قرائت متفاوت است. البته در مواردی به تفاوت ترجمه‌ها در پاورقی اشاره می‌شود مانند **«يَذَرِكَ وَالْهَتَكَ»** (اعراف: ۱۲۷) که به جز «ترا و خدایا ترا» به «پرستیدن» هم معنا شده است و در توضیح پانوشت می‌آید که معنای دوم بر اساس قرائت

«الاهتک» بوده است. افزون بر آن عنایت بیشتر به بحث اختلاف قرائت رواج قرائت خاص در مناطق جغرافیایی و مساله راهیابی قرائت در ترجمه‌ها را روشن می‌کرد؛ چنانکه گفته شده قرائت ابن کثیر و اخفش در خراسان رایج بوده است.

- غلط‌های چاپی نیز در این مجموعه پنج جلدی یافت می‌شود که جا دارد در بازنگری به تصحیح آنها همت گمارده شود.
- ظاهر کتاب به سبب برجسته کردن کلمات و واژه‌های عربی‌نمایی عربی گرفته تا فارسی و بهتر بود برای کلمات فارسی از فونت همسازتری استفاده شود.

از گفته‌ها و بررسی‌ها بر می‌آید که در امر معادل‌یابی و برابر‌گزاری واژه‌های قرآنی، از گذشته تا عصر حاضر، همواره تلاشهایی صورت گرفته، هر چند برخی اینگونه نبوده‌اند و تنها مقصود فارسی‌گزاری و توضیح تفسیر گونه لغات قرآن بوده است، با همه این تلاش‌ها، هنوز لازم می‌نماید فرهنگنامه‌ای جامع تدوین شود که افزون بر کاملی، صورت و ظاهری مناسب و آسان‌یاب برای دسترسی به معانی سره فارسی در واژگان قرآنی داشته باشد.